







فرازهایی از سخنرانی حضرت علامه در مراسم شهدا

بسم الله الرحمن الرحيم

بسیار محفل عرشی، روحانی، الهی است که به یاد انسانهای جان نثار، بزرگواران مکتب عشق، شاگردان به حق مدرسه‌ی ولایت، بزرگوارانی که در کمال حضور به پیشگاه عظیم الشان (الله نور السموات و الارض) تشرّف یافتند، در چنین محفلی تشرّف یافته‌ایم.

بنده که عکس این عزیزان را (شهدای بزرگوار را) زیارت می‌کنم، خدا را گواه می‌گیرم به آنها خطاب می‌کنم: (السلام علیکم یا اولیاءالله).

بحق اولیاءالله بودند، ما بسیاری از وقایع شهدای صدر اسلام در زمان خاتم الانبیاء(ص) که خیلی زحمت کشیدند، تا امروز ما در کنار مآذبه‌الله نشسته‌ایم و از این مآذبه‌ی آسمانی طعمه و لقمه برمی‌داریم طعمه‌هایی انسان ساز، لقمه‌هایی روح افزا، غذای جان و همچنین بیاییم تا وقایع زمان جناب امیرالمومنین (ع) و بعد از آن بیاییم تا به کربلا، بسیاری از وقایع را ما می‌بینیم و دیدیم که در این نهضت بزرگ الهی انقلاب شکوهمند اسلامی شما عزیزان تکرار شده است، یعنی آنچه خوانده بودیم به چشم خویش در جوانان عزیز ما، پدرانشان، مادرانشان، دودمانشان که خیلی مردم وارسته‌اند، دیده‌ایم.

این انقلاب عظیم‌الشان، در سایه قیام حضرت خاتم انبیاء(ص) برای مدینه‌ی فاضله ساختن است. برای مدینه‌ی فاضله داشتن است. ما می‌بایستی الآن خیلی اعمال و احوال و معارف و حقایقمان چشمگیر جهانیان بوده باشد، مبدا توجه نداشته باشیم زیرا برادر عزیز، خواهر گرامی، مگر از بوسنی تا افغانستان تا کشمیر برای من و شما سرمشق نیست؟ مگر نمی‌بینید که این درنده‌ها هر کجا قدم گذاشته‌اند چه کردند و چه می‌کنند؟ اینان خاکی‌اند، که موریانه‌ی هوی و هوس اینها را خورده و از بین برده است.

(صم بکم عمی فهم لایعقلون) نمی‌شود اهل هدایت باشند و ما خواهان سلامت شما هستیم.

ما هیچ توقع نداریم که کوچکترین ناروا در اجتماع ببینیم الآن تکلیف من و شما خیلی سنگین است برادران و خواهران، خیلی تکلیف سنگین است، مبدا خیابانهای ما کثیف بوده باشد مبدا مدارس ما کثیف بوده باشد، مبدا حجابها شرعی نباشد.

این حرفهای دیوانگی چیه؟ که ما می‌شنویم؟ چه دستهایی در کار است؟ عزیزان، آقایان، خانمها من چه عرض کنم و به چه زبانی بگویم که باطل دارد رخنه می‌کند، باطل دارد ریشه می‌دواند اشخاص دارند بی‌ادب می‌شوند، خانمها دارند از مسیر انسانیشان به در می‌روند و مردها را هم نمی‌دانم که اینها به چه صورت، به چه وضع و به چه حال دارند در می‌آیند و چه عرض کنم، خیلی دارد کار مشکل می‌شود و به چه عنوان و چرا؟ شما چه کاره‌اید؟ بفرمایید ببینم حرفتان چیه؟ چه شده که از این طرف خون دل خورده می‌شود؟ از هزار، یکی پیاده نمی‌شود.

اما از آن طرف یک آدم بی‌سروپا، یک آدم چه جوری، به چه نحو، کاری می‌کند یا حرفی می‌زند، زود می‌بینید که این تخم عناد پاشیده شده، ریشه داونده و افراد را از مسیرشان به در کرده است. چرا؟

یا رسول الله، ما که در مقابل عظمت تو نسبت و قیاس کرمک شبتاب است با آفتاب، از دیدن منکرات و فواحش این همه رنج می‌بریم، تو چه می‌کردی؟ یا امیرالمؤمنین بر شما چه گذشت؟

تکلیف ما خیلی سنگین است، شما باید جوابگوی خون شهدای عزیزتان بوده باشید. شما باید به فرموده امام صادق(ع) به عملتان معرفتان بوده باشید، یعنی